

یونیتارین‌ها

علی‌رضا دوران*

چکیده

تفلیت یکی از عقاید بحث برانگیز در میان آموزه‌های مسیحیت است که بیان می‌کند سه ذات پدر، پسر و روح‌القدس دارای یک ذات مشترک هستند و خود را یکتاپرست نیز می‌دانند. این عقیده از همان ابتدا با مخالفت‌هایی از جانب اندیشمندان مسیحی رو به رو شد. یکی از این گروه‌ها یونیتارین‌ها بودند که به تدریج در مسیحیت رشد و ظهور کردند. اما این گروه به دلیل مخالفت عمده مسیحیت و عدم داشتن امکانات گسترده برای تبلیغ، چندان شناخته شده نیستند. لذا بر آن شدیم تا به معرفی این گروه و عقاید آن‌ها بپردازیم. فعالیت‌های ابتدایی این گروه با افکار شخصی به نام «آریوس» آغاز شد و به دیگر نقاط نیز سرایت کرد. در ۱۵۶۶م. فردی به نام «دیوید فرانسویس» از ترانسیلوانیا نخستین کلیسای یونیتارین‌ها را تأسیس کرد و این گروه به طور رسمی اعلام موجودیت نمود. سپس گروه‌هایی در انگلیس و آمریکا شکل گرفت و از آن‌جا به سایر کشورها گسترش یافت. این گروه عقیده دارند که خدا فقط یکی و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز یک بشر و انسان است و هر انسانی با توجه به تجربیات شخصی و فهم خود قادر به درک حقیقت و در نهایت رسیدن به رستگاری می‌باشد. این گروه امروزه با نام «یونیتارین-یونیورسالیست»ها فعالیت می‌کنند که پایگاه اصلی آنان در آمریکا و کانادا است.

کلیدواژه‌ها: یونیتارین، یونیورسالیست‌ها، پیروان آریوس، مسیحیان موحد، شاهدان یهوه

مقدمه

اعتقاد به تثلیث یکی از عقاید بحث برانگیز در میان مسیحیان است. در حالی که مسیحیان خود را موحد و یکتاپرست می‌دانند، اعتقاد به تثلیث را نیز به عنوان یک عقیده‌ی ثابت در این دین پذیرفته‌اند و در توجیه جمع میان توحید و تثلیث دچار مشکل می‌شوند. در طول بیست قرن سابقه‌ی مسیحیت، بسیاری از الهی‌دانان برجسته، اصل تثلیث را مورد انتقاد قرار داده، آن را مخالف با تعالیم کتاب مقدس دانسته‌اند. این مطلب شاید از آن رو باشد که در عهد جدید و عهد قدیم، هیچ مطلبی که به‌طور صریح به تثلیث اشاره کرده باشد، مشاهده نمی‌کنیم.

اعتقاد به تثلیث را شاید نخستین بار پولس و تحت تأثیر اندیشه‌ها و خدایان سه‌گانه‌ی یونانیان بیان کرد. «آدولف فن هارناک» که از دانشمندان عالی‌مقام الهیات به شمار می‌رود، معتقد بود که عیسی ادعا نکرده که مسیح موعود خداست و الوهیت دارد، بلکه (پس از وی) پولس، تثلیث و عقاید یونانی باعث شدند که انجیل ساده‌ی عیسی به الهیات پیچیده‌ای درباره‌ی او تبدیل شود.^۱ ولی با وجود این، چنین اندیشه‌ای تا مدت‌ها مورد توجه نبود تا این که در قرن چهارم میلادی و در پی اختلاف میان کشیشانی در اسکندریه، موضوع تثلیث به‌طور جدی مطرح شد و در نهایت پادشاه اسکندریه تصمیم گرفت که چاره‌ای بیندیشد و موضوع را برای همیشه فیصله دهد؛ لذا شورایی از علمای مسیحی را از نقاط مختلف گرد هم آورد تا در این مورد تصمیم‌گیری کنند. نتیجه آن شد که این شورا، حکم به تأیید تثلیث داد و تثلیث به عنوان یک عقیده به‌طور رسمی وارد مسیحیت شد، به گونه‌ای که مخالفان آن نیز به شدت مورد مجازات قرار می‌گرفتند. با این همه، این اندیشه از سوی برخی مسیحیان مورد مخالفت واقع گردید که به تدریج باعث شکل‌گیری گروهی شد که امروزه به عنوان مسیحیان موحد و یکتا پرست شناخته می‌شوند و از آن‌ها به عنوان «یونیتارین‌ها» نام برده می‌شود. گروهی که در ابتدا به دلیل سرکوب شدید مخالفان، چندان توانایی مطرح کردن اندیشه‌های خود را نداشتند، ولی به تدریج و با سازماندهی فعالیت‌های خود توانستند به شکل یک گروه منسجم فعالیت نمایند و در نقاط مختلف دنیا طرفدارانی را جذب کنند. یونیتارین‌ها در منابع فارسی زبان، شناخته شده نیستند و در مورد آنان کمتر مطلبی نوشته شده است. به معرفی مختصر آن‌ها بسنده کرده‌اند و باید گفت مقاله یا کتابی که به‌طور کامل به معرفی این گروه پرداخته باشد، وجود ندارد.

در این مقاله به معرفی این گروه و چگونگی شکل‌گیری آن از قرن چهارم تا دوره‌ی کنونی و همچنین برخی از اندیشه‌های موحدان مسیحی خواهد پرداخت (زیرا تمام این گروه، اندیشه‌های ثابت و یکسانی ندارند که مورد قبول همه باشد و فقط در برخی موارد با هم اشتراک عقیده دارند). در پایان نیز پراکندگی جغرافیایی این گروه در زمان حاضر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

معنای یونیتارین

لفظ «یونیتارین» نخستین بار در بریتانیا ایجاد و استفاده شد که به معترضان و مخالفان تثلیث و الوهیت حضرت عیسی علیه السلام اطلاق می‌گردد. این معترضان عقیده داشتند که دیدگاه الوهیت عیسی علیه السلام در اوایل قرون مسیحی ایجاد شده و ایشان هرگز این مطلب را بیان نکرده است.^۱ یونیتارین‌ها به دلیل این که با تثلیث مخالف بوده‌اند و به یک خدا اعتقاد دارند «موحدان» نیز خوانده شده‌اند. این موحدان بیش‌تر به دلیل تأکیدی که در باب تساهل و مدارا نسبت به نظریات مختلف دینی دارند، معروف شده‌اند و کلیسای آنان هیچ گونه اعتقاد رسمی یا اصول جزمی ندارند. آنان این ایده را که مسیح علیه السلام موجودی ربوبی بوده رد می‌کنند و معتقدند که همه‌ی انسان‌ها عناصری از الوهیت در وجود خویش دارند. موحدان بر این باورند که رستگاری انسان به نیات و اعمال او بستگی دارد.^۲ یونیتارین‌ها از قرن ۱۶م. به بعد و از دل اصلاحات پروتستانی از ۱۵۶۰ در مدت ده سال به عنوان یک سازمان کلیسایی ظهور پیدا کردند و به رسمیت شناخته شدند. امروزه با نام یونیتارین - یونیورسالیست‌ها در کانادا و آمریکا فعالیت می‌کنند.^۳

تاریخچه یونیتارین‌ها

اگرچه لفظ یونیتارین‌ها نخستین بار در قرن ۱۶م در بریتانیا استفاده شد، اما ریشه در فعالیت‌های شخصی به نام آریوس دارد و مخالفت با تثلیث و الوهیت حضرت عیسی علیه السلام را اولین بار او مطرح کرد. آریوس که به علم، زهد و پرهیزکاری شناخته می‌شد، عقیده‌ی تثلیث و وجود ازلی اقا نیم سه گانه در ذات الهی را که الکساندر، اسقف اسکندریه، مطرح کرده بود، انکار کرد. او عقیده داشت خدا از خلقت، کاملاً جداست پس نمی‌توانیم مسیح را که مانند انسان تولد یافته با خدا یکی بدانیم. آنچه در عیسی تجسم یافته کلمه‌ی ازلی و غیر مخلوق نبوده، بلکه یکی از مخلوقات بوده و در زمان، آفریده شده است.^۴

و این اختلاف عقیده بین طرفداران آریوس و الکساندر موجب بروز مشکلاتی گردید. قسطنطین، پادشاه اسکندریه، تصمیم گرفت که خود، این قضیه را فیصله دهد. او شورایی در نیقیه تشکیل داد و در آن، این دو نفر را به همراه نمایندگان از کلیساهای مختلف جمع کرد تا در این مورد تصمیم‌گیری نهایی صورت گیرد.

۲. unitarian history. (<http://www.unitarian.org.uk/hitory>)

۳. شماره، آمریته، فرهنگ ادیان (اصطلاحات و واژگان)، به کوشش فاطمه سمواتی

۴. unitarian history (<http://www.bbc.co.uk/religion/unitarianism>)

۴. رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، ص ۳۵۲

آریوس در این شور، اصطلاح سنتی «مولود از پدر» را این گونه تفسیر کرد که عیسی توسط پدر از عدم خلق شده است. او مانند اوريجن بر این باور بود که تنها پدر، خدای حقیقی است. در مقابل، اسکندر و طرفدارانش به ویژه یکی از کشیشان به نام آناتاسیوس علیه او و نظراتش موضع گرفتند و در نهایت این شورا حکم به هم ذاتی پدر و پسر داد و نظر آریوس را رد کرد. آریوس و دو نفر دیگر که این نظر را تایید نکردند، تکفیر و تبعید شدند.^۱

اگر چه طرفداران آریوس او را فردی پاک و متدین می‌دانند و عقیده دارند که او اصل تثلیث را از روی اعتقاد خود رد می‌کرد، عده‌ای از مخالفان بر این باور هستند که او این کار را برای جلب توجه دیگران و کسب شهرت انجام داده است. «در سال ۳۱۸، اسکندر، اسقف اسکندریه، برای کشیشان خود نطقی نمود و در آن، درباره‌ی اهمیت بسیار وجدانیت تثلیث اقدس سخن گفت. به اشتباه «سایلیاتیزم» نزدیک گردید، وجود ازلی اقنوم سه گانه را در ذات اقدس الهی انکار می نمود... ولی یکی از اعضای کلیسای «پرسیری» که قصد خود نمایی داشت و خودپسندی وی را فرا گرفته بود و به عزم این که برای خود شخصیتی بسازد، بنای ضدیت با اسکندر نهاد و عقیده‌ی جدیدی را برای تثلیث اختراع نمود.»

اما به هر حال و با تمام این ادعاها، آریوس راه را برای مخالفت‌های بعدی باز کرد. یکتاپرستی جدید در دوره‌ی اصلاحات آغاز شد و از آن زمان به بعد مسیر باریکی در تاریخ کلیسا به وجود آمد. این ذهنیت از عناصر رادیکال جناح چپ اصلاحات جهش کرد. برخی از روشن فکران این گروه خواستند که انتقاد از تعالیم سنتی کلیسا را تا دکتترین‌های تثلیث و تجسم خدا به صورت انسان، که هم با عهد جدید و هم یافته‌های عقل متناقض می‌دانستند، گسترش دهند.^۲

نخستین کلیسایی که بر اساس ضدیت با تثلیث تأسیس شد، در لهستان - کشوری متشکل از عقاید کاتولیک روم، کلیسای لوتری، کلیسای اصلاحی و کلیسای هوسیت - بود. در سال ۱۵۵۶ م. به طبقه‌ی نجبا حق برگزاری عبادات الهی به‌طور خصوصی داده شد و این نمایش دهنده‌ی وجود آزادی مذهبی برای اقلیت‌ها است.^۳

در ترانسیلوانیا نیز مرکز ضد تثلیثی دیگری شکل گرفت. آن‌ها از آزادی کاملی برای تبلیغات خود برخوردار بودند و می‌توانستند از اختلافی که میان لوتری‌ها و کالونیست‌ها وجود داشت، بهره‌گیرند. رهبری این جنبش را فردی به نام «دیوید فرانسیس» بر عهده داشت.^۴

۱. همان، ص ۳۵۴

۲. ای وان وورست، رابرت، مسیحیت از لایه لای متون، مترجمان، جواد باغبانی و عباس رسول زاده، ص ۴۵۷

۳. همان، ۴۵۷

۴. همان ۴۵۷

دیوید فرانسیس، اولین الهیات‌دان و مؤسس کلیسای یونیتارین در ترانسیلوانیا بود. او در «کلوزسوار» (kelozsvar) _منطقه‌ای در آلمان_ به دنیا آمد. الهیات را در شهر کلوج در فرانکفورت آلمان به پایان رساند و سپس به زادگاهش بازگشت و به‌عنوان راهب و معلم به کار مشغول شد. او ایده‌های جدیدی در مورد اصلاحات داشت و به‌عنوان رهبر اصلی اصلاحات در ترانسیلوانیا معرفی شد. از سال ۱۵۶۵م. شروع به سخنرانی در مورد فلسفه‌ی وجودی یونیتارین‌ها کرد و بخش جدیدی از اصلاحات را آغاز نمود. اصلاحاتی که در آن اعلام شد خداوند یکی است و مذهب آزاد است؛ زیرا هدیه‌ای از جانب خداوند است. وی در ۲۰ ژانویه ۱۵۶۶م، اولین سخنرانی خود را راجع به یونیتارین‌ها در کلیسای اصلی شهر کلوزسوار ایراد کرد و مورد حمایت و استقبال مردم قرار گرفت. حتی پادشاه، جان سیگموند، به او گروید، یونیتارین شد و از اصلاحات یونیتارین‌ها حمایت کرد. از آن پس، به همه اجازه دادند تا با توجه به فهم‌شان از کتاب مقدس سخنرانی کنند و به خاطر عقایدشان مورد آزار قرار نگیرند. و این نقطه‌ی آغازین کلیسای یونیتارین در ترانسیلوانیا بود.^۱

در سال ۱۵۷۱م. جان سیگموند فوت کرد و پادشاه بعدی از اصلاحات یونیتارین‌ها حمایت نکرد و هیچ‌گونه پیش رفت و نوآوری دینی قابل تحمل نبود.

فرانسیس به خاطر عقایدش و ضدیت با دین به قلعه‌ی «دوا دانگن» تبعید شد و در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۵۷۹م. در همان جا جان سپرد. عقاید یونیتارینی در انگلیس اواسط قرن ۱۶م. در نوشته‌های «جان بایدل» (۱۶۱۵-۱۶۶۲) شکل گرفت.

در انگلیس، جان بایدل ۱۲ نظر را که از کتاب مقدس استخراج کرده بود، منتشر کرد. از دیگر اقدامات او این بود که عقاید یونیتارین‌ها را طبق متن عهد جدید بنا کرد. «توماس فیرمین» (Tomas Firmin) و دیگران دیدگاه‌های بایدل را نشر دادند. گرچه یونیتارین‌ها از قانون مدارای مذهبی بیرون شده بودند، دیدگاه‌های آن‌ها در میان کلیسا و طرفداران آریانیسم باقی ماند.

هنگامی که کشیشان مخالف یونیتارین‌ها در سال ۱۷۱۹م. در سالن اجتماعات سالترز (Salters Hall) در لندن گرد هم آمدند، به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول که با دیدگاه‌های پذیرفته شده علیه یونیتارین‌ها موافق بودند. گروه دوم که عقاید مطابق ظاهر کتاب مقدس را می‌پذیرفتند؛ لذا گروه دوم به سمت دیدگاه‌های یونیتارین‌ها نزدیک شدند. «تئوپولوس لندزلی» (۱۸۰۸-۱۷۲۳) با عقاید محدود کلیسای انگلیس مخالفت کرد، کشیشی آن کلیسا را رها کرد و کلیسای «ایسیکس استریت» را در سال ۱۷۷۴م. بنا کرد که نخستین انجمن یونیتارین‌های انگلیس بود.

«جوزف پرستلی» (۱۷۳۳-۱۸۰۴)، کشیش و دانشمند سرشناس، نیز نقش کلیدی را در شکل‌گیری فعالیت‌های یونیتارین‌ها ایفا کرد. پرستلی یکی از رهبران خارق‌العاده و تأثیرگذار

یونیتارین‌ها بود که در زمان او اصالت گرایي کتاب مقدس، مادی گرایي، جبر گرایي و اومانيسم مسیحي بر یونیتارین‌ها تأثیر زیادی گذاشت.

ریچارد پرایس (۱۷۲۳-۱۷۹۱) یکی دیگر از رهبران یونیتارین انگلیس بر آزادی اختیار در مخالفت با جبر گرایي تأکید داشت.

پریستلی و پرایس، جانشینان لیندزلی، در کلیسای ایسکس استریت (Essex Street) اومانيسم مسیحي را بالاتر از دیگر عقاید یونیتارین‌ها قرار دادند و نظرات آریانیسم را کنار گذاشتند.^۱

توحیدگرایي، ابتدا در انگلیس راه یافت و سپس توسط جوزف پریستلی به آمریکا برده شد. پریستلی که به خاطر عقایدش به آمریکا پناهنده شده بود، عقاید یونیتارین‌ها را در این کشور رواج داد و نخستین کلیسای موحدان را به همین نام پایه گذاشت. چیزی نگذشت که در اوایل سال ۱۷۸۵م. عبادت‌گاه قدیم بوستن، معروف به «تمازخانه‌ی سلاطین» کتاب «انگلیکن» خود را تغییر داد و عقاید موحدان را پذیرفت.^۲

در کنار یونیتارین‌ها، گروه دیگری نیز در همان زمان در آمریکا در حال شکل‌گیری بود که به «یونیورسالیست‌ها» معروف بودند. یونیورسالیست‌ها پیرو این اندیشه بودند که رستگاری خاص افراد معدود، «برگزیدگان»، نیست، بلکه موهبتی از جانب خداوند برای تمام مردم است و لذت پیوستن نهایی به ذات حق، سرانجام نصیب همه مردم - اگرچه خطا کار باشند - می‌شود. آن‌ها معتقد بودند که خداوند رحمان و رحیم است و نمی‌تواند کسی را گرفتار لعن ابدی سازد.

گرچه موحدان و یونیورسالیست‌ها به عقاید متفاوتی پایبند بودند، هر دو به نوع بشر اهمیت ویژه‌ای می‌دهند، او را از خدا جدا نمی‌دانند و بر توانایی فطری وی در شناخت و انجام آنچه که درست می‌پندارند، تأکید می‌کنند.^۳

این دو آیین مجزا ولی مشابه، به تدریج در خلال قرن ۲۰ م. به هم نزدیک و نزدیک‌تر شدند تا آن‌که سرانجام در سال ۱۹۶۱م. با تشکیل انجمن «یونیورسالیست‌های موحد» به صورت آیینی واحد در آمدند.^۴

امروزه این گروه با همین نام در کشورهای آمریکا و کانادا و برخی کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند. یونیتارین - یونیورسالیست‌ها یکی از ۴۸ عضو انجمن بین المللی دین آزاد (IARF) هستند.

۱. The encyclopedia of religion. mirecea eliad editor in chef mac millan publishing company. new yourk. P.۱۴۴ (Unitarian universalist association)

۲. روستن، لئو، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی، مترجم محمد بقائی، ص ۴۱۲

۳. همان، ص ۴۱۴

۴. the encyclopedia of religion, mircea eliyade. editor in chief Macmillan publihin company, Newyourk, p۱۴۶ (Unitarian universalists)

در کانادا اعضای بزرگسال این گروه در سال ۱۹۴۸م. در حدود ۱۳۸۱۱۰ نفر بوده است که در ۱۰۱۰ کلیسا و انجمن فعالیت داشته‌اند. در آمریکا یکتاپرستی کنونی پیروان بسیار کمی داشته است. جناح چپ یا مسیحی نشده‌اند یا مسیحیت را با عقاید رسمی‌اش پذیرفته‌اند و یا نهضت یکتا پرستی که نشان‌گر شکل غیرعقیدتی و ضعیفی از مسیحیت است، دیگر جاذبه چندانی ندارد.^۱

شخصیت‌های مهم یونیتارین‌ها

در میان شخصیت‌ها و افراد تأثیرگذار در میان یونیتارین‌ها علاوه بر افرادی چون آریوس، جان بایدل، جوزف پریستلی، دیوید فرانسیس و تتوپولوس لیندزلی افراد ذیل نیز نقش‌های مؤثری در میان این گروه داشته‌اند.

۱. میکائیل سروتوس

سروتوس در اسپانیا به دنیا آمد و نخستین بار زمانی به متن کتاب مقدس دست یافت که مشغول تحصیل در رشته حقوق بود. او تصمیم گرفت که متن کتاب مقدس را ۱۰۰۰ بار بخواند. وی پس از مطالعه‌ی دقیق پی برد که تثلیث در کتاب مقدس وجود ندارد. او در ۲۰ سالگی مهم‌ترین اثر خود را به نام «اشتباه تثلیث» به نگارش درآورد. از نظر سروتوس، عیسی علیه السلام تنها از این جهت فرزند خدا بود که آفریدگار، حکمت خویش را بر وی مکشوف ساخته، ولی عیسی با آفریدگار که امکان دارد همین حکمت را به دیگران هم بدهد، برابر است، در ابدیت شریک نیست و خداوند فرزند خود، عیسی، را مانند دیگر پیامبران به جهان فرستاده است.

سروتوس درباره‌ی تثلیث می‌گفت: «همه کسانی که به سه‌گانگی ذات آفریدگار معتقد هستند، سه‌گانه پرست هستند و از آن‌جا که یگانگی خدا را انکار می‌کنند، بی‌دین بالفطره می‌باشند.»^۲

۲. کاستالیون

کاستالیون فرانسوی نیز یونیتارین بوده است. او عقیده داشت: «صدها سال است که مردم درباره‌ی مسیح و تثلیث بحث کرده‌اند و از این بحث‌ها نتیجه‌ای نگرفته‌اند و نخواهند گرفت. خلق و خوی مردم از این مباحث بهبود نمی‌یابد و آن‌چه ما نیاز داریم به کار بستن تعالیم مسیح علیه السلام است.

۳. ویلیام چینینگ

در سال ۱۸۰۵م. یکتا پرست‌ها کنترل دانشگاه هاروارد را به دست گرفتند که به زودی یکی از دانشگاه‌های پیش رو آمریکا شد. سخنگوی این نهضت «ویلیام چینینگ»، کشیش مسیحی

۱. همان، ص ۱۴۶

۲. رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، ص ۵۰۸

کنگرشنالیست، بود که به سبب اعتقاد به طبیعت غیر مسیحی دکترین تثلیث مورد توجه قرار گرفت و به همراه جمعیت کنگرشنالیست‌ها به یکتاپرستان پیوست. او عیسی علیه السلام را تجلی بخش ایده‌های انسان می‌دانست. رستاخیز او را می‌پذیرفت ولی الوهیتش را انکار می‌کرد. چنینگ هم چنین نجات انسان را پذیرفت و از این رو کفاره را انکار می‌کرد.

۴. یاسپرس

یکی از اندیشمندان معاصر که با ایده‌ی تثلیث مخالفت کرده، یاسپرس است. او می‌نویسد که «تجسم خدا در عیسی و انسان - خدا بودن او مانند نظرهایی است که در بین هندوها و یونانیان دیده می‌شده، ولی در بین مسیحیان یک شکل خاص و منفردی دارد. مسیحیان معتقد هستند که این جسمیت یافتن خدای واحد فقط یک بار و در وجود یک انسان رخ داده است و بقیه، تجسم دروغین خدایانند. یاسپرس، تثلیث را یکی از عجیب‌ترین و متداول‌ترین ایده‌های مسیحیت می‌شمارد و می‌گوید: «در انجیل از لوگوس (روح خدا) سخن گفته می‌شود ولی از تثلیث به صورت وحدت این سه عامل سخنی نیست. برای فلسفه، مسأله‌ی «انسان - خدا» یک پوچی همراه کننده است. اعتقاد به پسر خدا، تجاوز و توهین به فلسفه است»^۱.

۵. آدولف فن هارناک

«آدولف فن هارناک»، استاد برجسته‌ی دانشگاه لایپزیک، گیسن ماربورگ و برلین بود و به سبب جایگاه علمی‌اش، امپراطور وقت به او لقب تشریفاتی «فون» اعطا کرد. او نیز از رهبران یونیتارین بوده است.

۶. دیگر شخصیت‌ها

در میان شخصیت‌های سیاسی نیز ۴ نفر از رییس‌جمهورهای آمریکا در این فرقه عضویت داشته‌اند.^۲

۱- جان آدامز فدرالیست (۱۷۹۷-۱۸۰۱)

۲- جان کوینسی (۱۸۲۹-۱۸۲۵)

۳- میلیارد فلیمور (۱۸۵۳-۱۸۵۰)

۴- ویلیام هوارد (۱۹۱۳-۱۹۰۹)

۱. آشتیانی، سیدجلال، تحقیقی در دین مسیح، صفحه ۳۴۷ - ۳۴۸

اندیشه‌ها و باورهای یونیتارین‌ها

این جمله از آریوس است که می‌گوید: «ما یونیتارین‌ها هیچ اصول اعتقادی مشخصی نداریم، فقط یک سری اصول مذهبی داریم». تفاوت این دو گفته این است که یونیتارین‌ها هیچ اصول ایمانی که شورای کلیسا آن را ملزم و تأیید کرده باشد، ندارند.

اما در عضویت عمومی یونیتارین‌ها تعدادی اصول و دیدگاه‌های پذیرفته شده وجود دارد که کم و بیش مجموعه‌ی یونیتارین‌ها از آن آگاهی دارند. اندیشه‌ها و باورهای یونیتارین‌ها، ریشه در کتاب مقدس و آموزه‌های عیسی مسیح علیه السلام دارد. در زیر به برخی از این باورها اشاره می‌شود.

- با توجه به اصول یونیتارین‌ها، عشق به خدا و بشر، ذات و گوهر تعلیمات عیسی علیه السلام است.
- عیسی مسیح علیه السلام یک بشر است و رهبری انسان‌ها را در تعلیم و هدایت انسان به سوی خداوند بر عهده دارد.

- عیسی علیه السلام هیچ گاه در مورد یک فرزند ازلی که همیشه بوده و هست، چیزی نگفته، حتی در مورد دوگانگی در مسیحیت نیز چیزی را بیان نمی‌کند و فقط در مورد یک خدا سخن گفته است.
- خداوند انسان را پاک و نیکو آفریده و این که او قادر است که تکامل پیدا کند و به سعادت برسد.
- اگر انسان‌ها یک دیگر را دوست بدارند، بخشنده، فروتن و صلح طلب باشند، می‌توانند تمام چیزهای خوب و بد را تشخیص دهند.
- محبت و بشردوستی باید در اعمال ما دیده شود.

- وجدان، آزاد است و هرکس بهترین فهم خود را از تعالیم دینی دنبال می‌کند، بنابراین یونیتارین بودن به معنای پذیرش آزادی کامل در موضوع دین است.
- نهاد کلیسا یک نهاد ضروری برای رشد و گسترش تعالیم عیسی علیه السلام است.
- خدا یکی است و قابل تجزیه نیست.
- بشر برای پیش رفت نیازمند حکمت است و این که میان یافته‌های علوم و دین هم‌آهنگی ایجاد کند.^۱

- تمام انسان‌ها از نظر جنس، با هم برابرند. (تفاوتی میان زن و مرد نیست)
- اصول دینی و وجدانی، تفکر و تجربه‌ی دینی است.

در مورد نقش فردگرایی نیز اعتقاد دارند هرکس حق دارد که با توجه به عقل و وجدان خود و با استفاده از تجربه‌ی زندگی‌اش حقیقت را جست و جو کند.^۲

۱. <http://www.unitarius.hu/english/believes.htm>

۲. <http://www.bbc.co.uk/religions/unitarism>

یونیتارین‌ها و هم‌سوئی با دیگر گروه‌های مسیحی

در میان گروه‌های مسیحی، برخی از آن‌ها در بسیاری از عقاید با یونیتارین‌ها شباهت دارند.

الف) شاهدان یهوه

مؤسس این گروه «چارلز تیز راسل» است که در ایالت پنسیلوانیای آمریکا به تجارت مشغول بود.^۱

نام شاهدان یهوه از کتاب مقدس پیدا شده است «یهوه می‌گوید که شما شهود من هستید و من خدا هستم». (اشعیاء نبی ۴۳:۱۲).

تاریخ شاهدان یهوه و خداپرستی آنان سابقه‌ای شش هزار ساله دارد. ولی امروزه فقط شاهدان یهوه را می‌توان آخرین محافظان و رهروان راهی دانست که بندگان راستین خدا در درازای تاریخ پی سپرده‌اند.

آن‌ها به صورت تشکل جامعی نیستند که محل و مکانی برای گرد آمدن داشته باشند و فقط سازمانی در پنسیلوانیا به نام «برج مراقبت کتاب مقدس و انجمن نشر مقالات دینی» دارند که در سال ۱۸۸۴م. راسل آن را به صورت قانونی در آورد.^۲

شاهدان یهوه برای اثبات تعالیم خود به کتاب مقدس استناد می‌کنند. آنان می‌گویند کتاب مقدس، با تفسیر تمثیلی و تاریخی هماهنگ با روح مسیحیت قابل فهم است. مسیح آفریده‌ای است و گاه آن را با میکائیل برابر می‌دانند.

تعلیمات شاهدان یهوه

از تعالیم آن‌هاست که یهوه تنها خدای حقیقی بوده، شیطان سبب تمرد انسان در عدن شد، سلطنت‌اش را نپذیرفت و اوست که خلوص ایمان آدمیان را می‌آزماید. نخستین هدف خداوند، حمایت از سلطنت انسان است. خداوند برای اجرای این مقصود، حضرت عیسی علیه السلام را به زمین فرستاد تا با قربانی شدنش کفاره‌ی گناهان را بپردازد و شالوده‌ای برای امور نوین نظام خداوندی پایه ریزی کند.

شاهدان معتقدند که خدای یهوه و عیسی مسیح علیه السلام، دو شخص هستند که از یک دیگر مجزا می‌باشند و با آن‌چه که آن را روح القدس می‌نامند به هم پیوسته و در الوهیتی به نام تثلیث قرار نمی‌گیرند. «روح القدس، نیروی فعال خداست».^۱

۱. رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، ص ۳۳۱

۲. روستن، لو، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکا، مترجم محمد بقایی، ص ۲۰۸

ب) یونیورسالیست‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در اواخر قرن ۲۰م. این گروه به دلیل شباهت‌های زیادی که به یونیتارین‌ها داشت، به آن‌ها نزدیک شدند و سرانجام پس از ادغام گروه موحدان یونیورسالیست را ایجاد کردند که امروزه با همین نام فعالیت می‌کنند.^۲

یونیتارین‌ها در دوره‌ی کنونی

چنان‌که گفته شد، گروه یونیتارین‌ها و یونیورسالیست‌ها به دلیل اشتراکات فراوانی که داشتند، سازمانی به نام یونیتارین - یونیورسالیست‌ها ایجاد کردند (UUA) که «دانا مک لین گرلی» به عنوان نخستین رهبر این گروه انتخاب شد.

بخش اداری این گروه در ایالات متحده و کانادا واقع شده است. البته گروه‌های کوچکی از آن در دیگر کشورها از جمله: آمریکای مرکزی، جنوبی، اروپا، آفریقا و آسیا وجود دارند که کشیشان و معلمان آن‌ها در مدارس آمریکا در زمینه‌ی الهیات، بورسیه و تحت آموزش قرار می‌گیرند.^۳

به‌طور کلی یونیورسالیست‌های موحد به حقیقت واحدی اعتقاد دارند و خدا را یکی می‌دانند. آنان رهبری اخلاقی حضرت عیسی را بدون توجه به این موضوع که او بالاترین مرجع دینشان است، محترم می‌شمارند. یونیورسالیست‌های موحد در عین حال که می‌کوشند تا از راهنمایی‌ها و الهامات و بینش پیشروان مذاهب بزرگ بسیاری از فرهنگ‌ها و آیین‌های گوناگون بهره‌مند شوند، به عقل خود و ادراک شخصی نیز متکی هستند.^۴

به نظر آن‌ها هر شخصی الهی است؛ یعنی در هر کس خوبی و ارزشی خاص وجود دارد که برخی آن را «فروغ الهی» و جمعی دیگر «کرامت انسانی» می‌خوانند.

ولی این گروه نیازی نمی‌بینند که مسیح را منتسب به الوهیتی خاص کنند و این اندیشه را که به خواست خدا، پسرش برای کفاره‌ی گناه بشر قربانی شد، مردود می‌شمارند.^۵

گستره‌ی تأثیرات جهانی یونیتارین‌ها

امروزه در کشورهای هند، انگلیس، کانادا، استرالیا، نیوزلند و آفریقا کلیساهای یونیتارین وجود دارد. یونیتارین‌های آمریکا و انگلیس در ارتباط نزدیک با کلیسای یکتاپرست هند و یونیتارین‌های

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۴۱۴.

۳. P. ۱۴۶. (Unitarian universalist).encyclopedia of religion. mircea eliaide

۴. روستن، لئو، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکا، مترجم محمد بقایی، ص ۴۱۳.

۵. همان، ص ۴۱۸.

ژاپن هستند و دانش آموزان کشورهای شرق دور را در دانشکده‌های خود می‌پذیرند. هم‌چنین کشیشان نماینده‌ی خود را برای موعظه و سخنرانی به این کشورها اعزام می‌کنند.

آلمان

تأثیرات منطقه‌ای فعالیت‌های یونیتارین‌های آمریکا و انگلیس در آلمان نیز تأثیر گذاشت. نوشته‌های خدا پرستان انگلیس در قرن ۱۸م. به رشد و ترویج خردگرایی در آلمان کمک کرد، بررسی‌ها و مطالعات منتقدانه به کتاب مقدس منجر به رهایی از الهیات ماشین وار، بی اراده و رهایی از اقتدار کتاب مقدس شد و معجزه‌ها با رشد فلسفه و دیگر علوم کم رنگ و انکار شدند. کتاب «لین» از «د اف اشتراوس» (D.F. Strauss) به همراه پژوهش‌های فردی به نام «بائور» (F.C. Baur) در مورد کلیساهای اولیه، افق جدیدی برای برداشت از مسیحیت نخستین گشود. باثور نتایج به دست آمده را به کمک تحقیقات بعدی شاگردانش اصلاح کرد. اما یک مکتب فکری قوی در این زمینه توسط افرادی مانند:

۱- هولتزمن (H. Holtzman) از استرسبورگ

۲- سی هولستن (C. Holsten) از هیدلبرگ

۳- کارل ون (Carl Von) از توبینگن

۴- ا. ای. بیدرمن (A.E. Biederman) از زوریخ

ایجاد شد که موقعیتی شبیه به موقعیت و طرز تفکر یونیتارین‌ها داشت.

در سال ۱۸۶۳م. نیز اتحادیه‌ای روشن‌فکری به نام پروتستان ورین (Protestan Veriein) شکل گرفت که دارای تفکرات مشابه یونیتارین‌ها بودند و تاکنون نیز وجود دارند، ولی فعالیت‌های آن‌ها بسیار محدود است.

فرانسه

در فرانسه نیز فعالیت‌های مشابهی در قلمرو افکار صورت گرفت. این فعالیت‌های فکری نسبت به آلمان محدودتر بود و از زمان رنسانس و در دوره‌ی اصلاحات کلیسا با کوشش افرادی مانند: ای کاکو ایرل (A. Coquerel) آلبرت و جین ریول (Revill) و نیز گروه‌های سرشناسی از سکولارها و واعظان معروف آغاز شد. زمانی که انقلابی‌های فرانسه در سال ۱۹۰۵م. قدرت را به دست گرفتند، این اصلاح طلبان به دو دسته تقسیم شدند. گروهی به کلیسای اتحادیه‌ی ملی اصلاح طلب ایونگلیکن (Evangelican) که به قوانین سنتی و پذیرفته شده پای بند بودند. گروهی دیگر، اتحادیه‌ی ملی اصلاحات لیبرال که امروزه در دانشکده الهیات پاریس قدرت زیادی دارند و تأثیر زیادی در متون نشریات می‌گذارند. لوتری‌های لیبرال مانند: مائوریس گوگل (Maurice Gogul) و ایگن ایهارت (Eugene Ehrhardt) نیز دیدگاه‌های مشابهی را نشر دادند.

دیگر کشورها

در ایتالیا یک گروه کوچک با همکاری پروفیسورهای دانشگاه‌های مختلف T نشستی ماهیانه با نام لا ریفورم ایتالیانا (la reform Italiyana) که هم سو با فعالیت‌های یونیتارین‌هاست، برگزار می‌کنند. نام چینینگ و مازینی در نشان این گروه قرار دارد. در دانمارک و نروژ نیز، انجمن‌هایی از یونیتارین‌ها فعالیت دارند و حتی در آفریقای جنوبی نیز تلاش‌های مشابه با این جنبش (یونیتارین‌ها) به صورت خود جوش به وجود آمده است.^۱

جمع بندی

یکی از مسائل مشکل آفرین در مسیحیت، آموزه‌ی تثلیث است. مسیحیان علاوه بر اعتقاد به یگانگی خدا به سه گانگی او نیز معتقد هستند. آنان می‌خواهند عقیده‌ی خود را به گونه‌ای اصلاح کنند که هیچ خللی به این دو جنبه (توحید و تثلیث) وارد نیاید. ولی این ممکن نیست و در نهایت می‌گویند این یک راز است و با کسانی که در جامعه‌ی مسیحی این را نپذیرد، مخالفت می‌کنند. این عقیده از همان ابتدای شکل‌گیری با مخالفت برخی از اندیشمندان و کشیشان مسیحی روبه رو شد که تثلیث را مخالف آموزه‌های عیسی علیه السلام و کتاب مقدس می‌دانستند. از جمله‌ی این افراد آریوس بود که جان خود را در این راه نثار کرد. آریوس عقیده داشت که خدا از خلقت کاملاً جداست؛ پس ممکن نیست مسیحی را که به زمین آمده است و چون انسان‌ها متولد شده با خدایی که نمی‌شود شناخت، یکی بشماریم.

پس از آن نیز در کشورهای مختلف مسیحی نشین، افرادی ظهور کردند که با این ایده به مخالفت پرداختند که به نام یونیتارین‌ها یا موحدان معروف شدند.

این گروه دکرین تثلیث را رد می‌کنند؛ زیرا آن را ناسازگار با یکتا پرستی کامل، نظریه‌ی علمی مسیحیت و حاصل خط فکری مسیحیت یهودی در کلیسای اولیه و مکتب معتقد به سلطنت مطلقه می‌دانند.

یکتا پرستی جدید در دوره اصلاحات و با اندیشه‌های افرادی چون جان بایبل، جوزف پرستلی، سروتوس و ... آغاز شد.

از آن زمان به بعد، راهی نو در تاریخ کلیسا ایجاد شد. این نهضت از عناصر رادیکال جناح چپ اصلاحات جهش کرد. برخی از اندیشمندان این گروه خواستند انتقاد از تعالیم سنتی کلیسا را تا دکرین تثلیث و تجسم خدا به انسان و آفرینش او که با عهد جدید و یافته‌های علمی نیز تناقض داشت، تسری دهند.

۱. encyclopedia of religion and ethics. edit by jammes hasting .p.۵۲۷ (Unitarian)

امروزه پیروان این اندیشه تحت عنوان یونیتارین- یونیورسالیست (یونیورسالیتهای موحد) در کشورهای مختلف فعالیت دارند که پایگاه اصلی آنها در کشورهای کانادا و ایالات متحدهی آمریکا است.



منابع و مأخذ

۱. خیر خواه، کامل، پژوهشی در دین یهود، قم، بوستان کتاب.
۲. آشتیانی، سیدجلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران، نشر نگارش، ۱۳۶۸.
۳. مولن، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه‌ی محمدباقر انصاری (مسیح مهاجری)، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۴. زیبایی نژاد، محمد باقر، درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، تهران، اشراق، ۱۳۷۵.
۵. رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، چ اول، قم، مؤسسه‌ی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۶. شارمه، آمریته، فرهنگ ادیان اصطلاحات و واژگان، ترجمه‌ی فاطمه سمواتی، چ ۱، تهران، مدحت، ۱۳۸۲.
۷. روستن، لئو، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکا، ترجمه‌ی محمد بقائی، تهران، نشر حکمت، ۱۳۷۶.
۸. ای وان وورست، رابرت، مسیحیت از لابه لای متون، مترجمان جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، چ ۱، قم، مؤسسه‌ی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی:

۹. **Encyclopedia of religion and ethics**, edit by james Hasting (Unitarian)
 ۱۰. **Encyclopedia of religion**, mircea eliade, editor in chief mac millan publishing company New York. (universalism)
- پایگاه‌های اینترنتی انگلیسی و فارسی:
۱۱. <http://rahe.masih.blogfa.com>
 ۱۲. <http://www.bbc.co.uk/riligions/Unitarian/history>
 ۱۳. <http://www.unitarian.congregation.org>
 ۱۴. <http://www.unitarian.org.uk/intro/history>
 ۱۵. <http://www.unitarius.hu/English/belives.htm>